



دوستی

جواد محدثی

بسم الله الرحمن الرحیم

دوستی

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دوستی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان قراردادی : نهج البلاغه. شرح

عنوان و نام پدیدآور : دوستی / جواد محدثی.

مشخصات نشر : مشهد : بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۴۸ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱س م.

فروست : درسهایی از نهج البلاغه ؛ ۴.

شابک : ۸۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۴-۹۸۳-۳:

یادداشت : چاپ نهم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت- ۴۰ق. نهج البلاغه -- دوستی.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- کلمات قصار

موضوع : علی بن ابی طالب، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت- ۴۰ق.-- خطبه ها.

موضوع : دوستی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. . نهج البلاغه. شرح

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۹ /د۹ م۲۶ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۱۱۰۵

اشاره

دوستی

جواد محدّثی

ص:۳

دوستی

جواد محدّثی

چاپ اول: ۱۳۸۳ / ۲۰۰۰ نسخه

قیمت ۲۰۰۰ ریال

چاپ وصحافی:مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

مراکز پخش

بنیاد پژوهشهای اسلامی، تلفن و دورنگار (مشهد) ۲۲۳۰۸۰۳

صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

شرکت به نشر، (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.org E-mil:info@islamic-rf.org

ص:۴

فهرست مطالب

سخن ناشر

نهج البلاغه را بی تردید می توان به دریایی پر گوهر تشبیه کرد که هر چه بیشتر در آن غوّاصی شود، درسها و حکمتهای زندگی ساز و پربهای بیشتری به دست می آید. بی جهت نیست که دانشمندان بسیاری در طول چهارده قرن،

در پی درس آموزی از مکتب علوی و کسب معرفت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بوده اند و در شرح سخنان پر ارج او کتابها نوشته اند.

سخنان حضرت علی علیه السلام، هم در زمینه مباحث نظری و عقلی بسیار ارزنده و راهنماست، هم در قلمرو مسائل عینی و زندگی انسانی و موضوعات کاربردی و عملی کارگشاست و این ابعاد متنوّع کلام آن حضرت، نشأت گرفته از روح بلند و شخصیّت بی نظیر و چند بُعدی آن پیشوای بزرگ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وی

فرمود:

«اَ نَا مَدینَةُ العِلْمِ و علیٌّ بابُها»(۱).

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی

خداوند امر و خداوند نهی

که من شهر علمم علیّم در است

درست این سخن قول پیغمبر است(۲)

و چنان که خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

۱- المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۳۷.

۲- شاهنامه فردوسی، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان ۱/۱۸ و ۱۹.

«علَّمنی رسولُ اللّه صلی الله علیه و آله ألفَ بابٍ کلَّ بابٍ فَتَح ألفَ بابٍ»(۱).

رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - به من هزار باب [علم]

آموخت، که هر باب آن هزار باب گشود.

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، به عنوان گامی هر چند کوچک در راستای تکلیف بزرگِ «شناساندن کلام و شخصیت علی علیه السلام»، تصمیم بر عرضه درسهایی زندگی ساز از معارف همیشه زنده و الهام بخش نهج البلاغه گرفته است، بااین باور که کلام نورانی امیر سخن حضرت علی علیه السلام، در حدّ بالایی الگوی رفتاری، معاشرتی و معیشتی هر مسلمان، به ویژه نسل جوان است. از این رو عرضه و انتشار این سلسله درسها با قلمی روان و خلاصه، می تواند چراغ راه و فروغ زندگی باشد.

از حجه الاسلام آقای جواد محدّثی که در «پژوهش و نگارش» این کتاب همّت گماشته اند، صمیمانه تقدیر می شود. باشد که این گام و اِقدام، زمینه هر چه بیشتر آشنا شدن نسل جوان امروز را با معارف اهل

بیت: و کتاب جاودانه نهج البلاغه فراهم آورد.

۱- بصائر الدرجات ۳۲۳.

سرآغاز

اینکه گفته اند: «هزار دوست کم است و یک دشمن، بسیار»، سخن درستی است، امّا دوست کیست؟ دوستی چیست؟ دوست واقعی کدام است؟ شرط دوستی و حدّ و حدود آن چیست؟ عامل تقویت دوستیها و علّت به هم خوردن دوستیها کدام است؟ با

چه کسانی باید دوست شد؟ از رفاقت با چه کسانی باید پرهیز کرد؟ اینها و سؤلات دیگر، در موضوع «دوستی» مطرح است.

روح جمعی انسان، او را به مهرورزی و دوستی و رفاقت می کشاند.

بهره گیری از یاری و کمک دوستان در زندگی نیز، میزان تحمّل مشکلات و توفیق دستیابی به اهداف را بیشتر می کند و برای انسان پشتوانه به شمار می آید.

پس، دوستی هم «نیاز روحی» انسان است، هم «ضرورت اجتماعی» در زندگی،هم عامل همبستگی افراد.

اثرپذیری انسان از دوستان و همنشینان نیز روشن است. به همین جهت از قدیم گفته اند:

تو اوّل بگو با کیان زیستی

پس آنگه بگویم که تو کیستی

از این رو، توجّه جدّی تر به این موضوع و

شناخت بایدها و نبایدها و آگاهی از خطرات دوستیهای ناسالم و مصون سازی خویش از دوستان

ناباب و رفاقتهای هوس آلود و نسنجیده، بسیار مهم و لازم است، تا این نیاز روحی و خلأ زندگی به کانون خطر و

دام گرفتاری و پرتگاه سقوط اخلاقی تبدیل نشود.

برای هر گام که در مسیر زندگی برمی داریم، به بصیرت و آگاهی و تجربه نیازمندیم. در قلمرو همنشینی و رفاقت و دوستی هم به همین آگاهی و بصیرت محتاجیم تا این راه را با روشن بینی طی کنیم و گرفتار رهزنان دل نشویم.

*

* *

مباحثی را که با تکیه به سخنان روشنگر و سازنده حضرت علی علیه السلام درباره دوستی

می خوانید، همه بر گرفته از «نهج البلاغه» است. باشد که نورانیّت این کلمات و هدایتگری این احادیث علوی، چراغ راهمان گردد و توفیق بهره وری از گنجینه معارف ناب که در این کتاب نفیس است، نصیبمان شود. نهج البلاغه، دریایی موّاج و پر گوهر است، امّا ما به اندازه ظرفیت وجودی و در حدّ توانمان می توانیم از آن بهره ببریم و از این دریا، مروارید معنویّت و اخلاق، به دست آوریم.

سخنان آن حضرت در این نوشته،

براساس نهج البلاغه صبحی صالح است، طبعاً شماره های خطبه ها، نامه ها و حکمتها هم مطابق این نسخه می باشد.

به امید آنکه دوستیهایتان در سایه رهنمودهای امام علی علیه السلام، پایدار، مثبت، سازنده و کمال بخش شود و دوستان خوب و مکتبی شما، در مسیر الهی و فضیلت و اخلاق، یار و همراهتان باشند؛ آمین.

جواد محدّثی

بهمن ۱۳۸۳

جایگاه دوستی و همدلی

روح انسان، در سایه مودّت و مهرورزی، شکوفا و مصفّا می شود. نیاز به «دوستی» در عمق جان آدمی نهفته است. وقتی با کسی طرح دوستی می ریزد و از این دوستی در زندگی بهره می برد، طعم شیرین حیات را بهتر می چشد و از احساس غربت و

تنهایی در می آید.

در کلمات حضرت علی علیه السلام، نکته هایی

بس آموزنده در این زمینه دیده می شود(۱) و مودّت و دوستی، از نیازهای زندگی به شمار می رود. آن امام بزرگوار می فرماید:

«اَعجزُ النّاسِ مَن عَجز عَنِ اکتِسابِ الإِخْوانِ،

وَأَعْجَزُ منهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ به مِنهم.»(۲)

ناتوان ترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران [و دوستان] ناتوان باشد و ناتوان تر از او کسی است که دوستی را که به دست آورده است، از دست بدهد و تباه کند.

۱- در نهج البلاغه، واژه هایی همچون مودّت، مصاحبت، مصادقت، معاشرت، قرین، خلیل، صدیق، حبیب، حبّ، محبّت، مؤاخات، اِخاء، تودّد و... وجود دارد که به بحث دوستی ارتباط می یابد. پژوهشگران می توانند به کمک این کلید واژه ها موضوع را گسترده تر پیگیری کنند.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲ .

به قول سعدی:

دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند، نشاید که به یک دم بیازارند.

در خصوص اینکه چگونه می توان کسانی را اسیر رشته محبت و دوستی کرد، و چه عواملی سبب از دست دادن دوستان می شود، بحث خواهد شد، امّا مهم، «هنرِ دوست یابی» است و هنرمند کسی است که با جاذبه اخلاق و رفتارش بتواند با دیگران بجوشد و صمیمی و همدل شود و دلها را شیفته خود سازد و حلقه ای از بهترین دوستان را بر گِرد خود پدید آورد، یا در حلقه دوستان نابِ یک انسان وارسته درآید.

این نکته، هم هنرمندی است، هم

خردمندی. آن حضرت می فرماید:

«اَلتَّوَدُّدُ نِصفُ العَقلِ».(۱)

دوستی و مهرورزی، نیمی از خرد است.

اگر کسی هنر مهرورزی و جذب و دوستی نداشته باشد، از سرچشمه سرشاری که می تواند او را در صحنه های مختلف زندگی یاری رساند، محروم می ماند و آیا این، نوعی بی خردی و نادانی نیست؟

رابطه های خویشاوندی، در کمک رسانی و غم زدایی و پشت گرمی هر فرد، نقش مهمّی ایفا می کند، ولی گاهی دوستان همدل و با صفا، بیش از خویشاوندان به یاری می شتابند و پشتوانه و تکیه گاه و همدم می شوند. از این رو حضرت علی علیه السلام، مهروزری و دوستی را نوعی خویشاوندی و پیوند نزدیک و ثمربخش می شمارد(۲) و

نداشتن دوست یا از دست دادن دوست را غربت روح می داند:

ص:۱۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱: «الموده قَرابةٌ مستفادَةٌ».

«اَلغَریبُ مَنْ لیسَ لَهُ حَبیبٌ».(۱)

غریب، کسی است که دوستی ندارد.

آنچه انسان را به دیگری پیوند می دهد، ارتباط روحی و محبت قلبی و احساس دوستی است. اگر این حس وجود داشته باشد، چه بسا افراد دور، از نزدیکان وفامیل، نزدیک تر باشند و اگر نباشد، فامیلها و خویشاوندان، دورتر از غریبه ها می شوند. تأکید امیرالمؤنین علیه السلام بر حفظ دوستان و نگه داشتن رابطه های دوستانه، برای تقویت همین انرژی روحی و صفای زندگی است، چرا که از دست دادن دوستان، نوعی غربت و تنهایی و بی پناهی است:

- «فَقدُ الأحِبَّهِ غُربَهٌ».(۲)

به همین خاطر، انسانهای بی دوست و

همدم، دچار افسردگی و خمودی می شوند و در «احساس تنهایی» می پوسند، یا دچار «دوست نمایان فریبنده» می شوند و زیان می بینند. نقش دوست خوب در زندگی، بسیار تعیین کننده و سرنوشت ساز است. اگر امام می فرماید:

«سَلْ عَنِ الرَّفیقِ قَبْلَ الطّریقِ».(۳)

پیش از راه و سفر، از رفیق و همسفر بپرس.برای توجّه دادن به همدلی و یکدلی دوستانی است که در مسیر زندگی با ما همراه می شوند، چرا که اگر رفیق انسان، نیمه راه یا غیر مطمئن یا بددل و نامناسب باشد، در سختیها او را رها می کند، یا به وی زیان می رساند و به جای دوستی، دشمنی می کند. پس شناخت کسی که در «راه زندگی» با او همسفر و همراه می شویم، یا او با ما همراه و همسفر

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱، خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۶۵ .

۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

می شود مهم است.

بسا کس اند، از این همرهانِ «آری» گوی،

که دل به وسوسه راه دیگری دارند

بسا کس اند، که جایی موافقانِ رهند،

که خود نه جای هماهنگی است و همراهی است

بدین سبب،

نخست باید آیین همرهی دانست!

نکته ای که در «دوستی» باید مورد توجّه قرار گیرد. آسیبها و آفاتِ عشق و علاقه های سطحی و بی منطق یا کورکورانه است. به طور طبیعی، علاقه به چیزی یا کسی اگر حالت افراطی پیدا کند، در «شناخت دقیق» تأثیر منفی می گذارد و چه بسا انسان از دیدن بسیاری از عیبها و کاستیها و نقطه

ضعفها دور می ماند و نتیجه اش زیان بردن از علاقه های افراطی است.

حضرت علی علیه السلام گرچه از رویگردانی

مردم کوته بین و فضیلت گریز از دعوت نجات بخش و بهشت آفرین پیامبر انتقاد می کند، امّا دلیل بی رغبتی آنان به آخرت را دلبستگی به جیفه دنیا می داند و در یک بیان کلّی می فرماید:

«مَنْ عَشِقَ شیئاً اَعشی بَصَرَهُ وأمرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ یَنْظُرُ بِعَیْنٍ غیرِ صَحیحَه، وَیَسْمَعُ بِاُذُنٍ غیر سَمیعهٍ...».(۱)

هر کس به چیزی عشق ورزد، این محبت افراطی چشمش را نابینا و دلش را بیمار می سازد. در نتیجه، می نگرد امّا با چشم ناسالم، و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

می شنود امّا با گوشِ ناشنوا.(۱)

آن حضرت، اگر از دوستی و محبت به دوستان ستایش می کند، نسبت به عشقهای کورکورانه و آسیبهای آن هم هشدار می دهد، تا دوستیها چشم افراد را به روی حقیقتها نبندد و افراد، ناآگاهانه به امید آب، در پی سراب نیفتند.

بر سر دو راهیِ «تنهایی» یا «دوستی با بدان»، کدام گزینه بهتر و درست تر است؟

بی شک، تنهایی بهتر از دوست ناباب و همنشین نامناسب است.

مرد را هر چند تنهایی کند کامل عیار

صحبت یاران یکدل، کیمیایی دیگر است

۱- این همان نکته است که می گویند: عشق، آدم را کور و کر می کند!

دوست خوب کیست؟

دوست خوب قیمت ندارد و سزاوار است که جان فدای او شود.

امّا دوست خوب کیست و چه ویژگیهایی دارد و با کدام معیار و شاخص، می توان دوست واقعی را از «دوست نما» شناخت؟

از بارزترین مشخصه های دوست خوب

و واقعی آن است که با انسان یکدل و یکرو باشد و هنگام نیاز، او را رها نکند و در گرفتاری به کمکش بشتابد و در غم و شادی و راحت و رنج، با او همدردی و مشارکت داشته باشد، مثل یک برادر.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«لا يَكونُ الصَّديقُ صَديقاً حَتّى يَحْفَظَ اَخاهُ فی ثَلاثٍ: فی نَكْبَتِهِ وغَيْبَتِهِ وَوَفاتِهِ».(۱)

دوست، هرگز دوست واقعی نخواهد

بود، مگر آنکه در سه موقعیّت، دوست و برادرش را نگهبان و پاسدار باشد:

اوّل: در رنج و گرفتاری به کمکش بشتابد.

دوّم: پشت سرش، آبروی او را حفظ کند.

سوم: پس از وفاتش، با یاد و استغفار، به او نیکی کند.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴.

در سخنی دیگر می فرماید:

«الصَّدیقُ مَن صَدَقَ غَیبُهُ».(۱)

دوست، کسی است که در پشت سر هم صادق باشد، یعنی حقوق دوست خود را صادقانه مراعات کند و با او یکرو باشد.

محمّد بن حسام خوسفی، این کلام حضرت علی علیه السلام را این گونه به شعر سروده است :

تو را گر دوستی باشد موافق

سه خاصیت در او موجود باید

نخستین آنکه اندر غیبت دوست

نگوید آنچه او را خوش نیاید

دوم آن است کاندر حال عُسرت

به جای او جوانمردی نماید

سه دیگر آنکه بعد از مرگ آن دوست

به هر حالی که باشد، یادش آید

چو دانی کاین سه خاصیّت ندارد

چنان کس دوستداری را نشاید(۲)

دوست خوب، با ادّعا و شعار شناخته نمی شود، فراز و نشیبهای زندگی است که جوهره اشخاص را بروز می دهد و هنگام آزمایش، صداقت یک دوست شناخته می شود. از این رو، در انتخاب دوستان شایسته باید براساس معیارهای اخلاقی و

انسانی اهل گزینش بود و به هر کس اعتماد نکرد. امیرمؤنان علیه السلامی فرماید:

«الطُّمَأنینَهُ اِلی کُلِّ اَحدٍ قَبْلَ الاختبارِ عَجْزٌ».(۳)

اطمینان و اعتماد کردن به هر کس، پیش از آزمودن، ناتوانی است.

چه بسیار کسانی که فریب دوستیهای شعاری و ادعایی را خورده اند و دل به محبّتِ افراد ناشایست و گاهی گرگ سیرت سپرده اند و در پایان،

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- اشعار اخلاقی در ادب فارسی، احمدی بیرجندی، ص ۷۵ .

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۸۴ .

طعمه آنان گشته اند.

دوست خوب کسی است که بازوی پرتوان انسان بر انجام کارهای نیک باشد و اگر از دوستش خطا و خلافی دید، صادقانه تذکّر دهد و از زشتی باز بدارد، نه آنکه به خاطر خوش آمد او، حقّی را کتمان نماید یا از گناه و بیراهه روی بازش ندارد. گاهی دوستی سبب می شود که انسان به گناه کشیده شود، یا انجام گناه و خطایی را از سوی دوستش نادیده بگیرد و در برابر ظلم و خلافی که از دوستش سر می زند، سکوت کند و بی تفاوت باشد. اینجاست که دوستی

وی آفت پیدا می کند و به سقوط اخلاقی کشیده می شود.

آن حضرت در خطبه متقین، از جمله صفات اهل تقوا را چنین بر می شمارد:

«لا یَأثِمُ فیمَنْ یُحِبُّ».(۱)

در مورد کسی که دوستش دارد، مرتکب گناه نمی شود!

«حسد»، خصلتی ناپسند است که اگر در دوستی باشد، هم ناشایستگی او را

می رساند، هم به تباهی و جدایی و خراب شدن دوستی می انجامد. دوستان واقعی برای دوستانشان خواستار پیشرفت، راحتی و موفقیّت اند، نه آنکه به داشته ها و خوبیها و امتیازاتشان حسودی کنند.

علی علیه السلام می فرماید:

«حَسَدُ الصَّدیقِ مِنْ سُقْمِ المَوَدَّهِ».(۲)

حسد ورزی دوست، از ناسالم بودن دوستی است.

دوست خوب را با امتحان می توان شناخت. چه بسا آن را که رفیق خالص و یار وفادار بدانیم، در دوستی امتحان خوبی ندهد و خراب از آب

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ .

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۱۸.

درآید. سعدی گوید:

آن که چون پسته دیدمش همه مغز

پوست در پوست بود، همچو پیاز(۱)

حضرت علی علیه السلام هشدار می دهد که بی آزمون، کسی را به دوستی مگزین، چرا که گاهی نتیجه امتحان، بسیار تلخ است و آن را که دوست می پنداریم، دشمن خواهیم

یافت:

«أُخبُرْ، تَقْلِهْ».(۲)

بیازمای، تا دشمن بداری!

زیرا باطن اشخاص و خصلتهای نهانی آنان در آزمایش آشکار می شود و میزان صداقت و محبّتشان به دست می آید. «پروین اعتصامی» گوید:

پروین! نخست زیورِ یاران، «صداقت» است

باری، نیازموده کسی را مدار دوست

صفات نیک، با هم ریشه مشترک دارند.

وجود یک خصلت عالی و برجسته، نشان خصلتهای ارزشمند دیگری در شخصیّت یک انسان است. اگر در دوستی به نمونه ای از یک صفت زیبا مواجه شدیم، باید دنبال اوصاف خوب دیگرش هم باشیم و از این رهگذر، دوستانی با فضیلت پیدا کنیم و از دوستی آنان بهره مند شویم. در سخن حضرت علی علیه السلامچنین آمده است:

«اِذا کانَ فی رَجُلٍ خَلَّهٌ رائِقَهٌ فَانْتَظِروا

اَخَواتِها».(۳)

اگر در شخصی خصلت ارزشمندی بود، منتظر خصلتهای خوب دیگرش باشید.

مرحوم «ابن میثم بحرانی» در شرح این جمله می گوید:

«هرگاه در انسانی اخلاقِ بافضیلتی بود، طبیعت و سرشت او طبق

۱- گلستان، باب دوم، حکایت ۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۴.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۵.

قاعـده دارای اخلاق نیک و فضایل دیگری که مناسب با آن خصـلت است خواهد بود و از او چنان انتظار و توقّع می رود، مثل کسی که راستگوست، باید از او انتظار

وفا و معاشرت نیک هم داشت و اگر کسی عفاف داشت، باید از او انتظار کرم و بزرگواری و بخشندگی و محبت هم داشت و اگر کسی شجاع بود، توقع آن است که نسبت به امامان تعظیم کند و اهل بردباری و پایداری باشد.»(۱)

دوست خوب، ثروت و غنیمتی است که قیمتی بر آن نمی توان نهاد.

ص:۲۰

۱- شرح نهج البلاغه، ابن میثم، ۵/۴۵۵.

دوستان با معرفت

آنچه دوستیها را قیمتی و دوستان را دوست داشتنی می سازد، صفای قلبی و محبت و وفاست. اگر کسی را در «خانه دل» راه می دهید، کسی باشد که مَحرم و امین و قابل اعتماد باشد و قدر دوستی را بداند و دوست را در سختیها رها نکند. دوستان با

معرفت آنان اند که هم در روبه رو، صادق و خیر خواه اند، هم پشت سر وفادار و هوادار، دوست را نمی فروشند و پیمان دوستی را با اندک چیزی نمی شکنند و در راحت و رنج و شادی و غم، در دوستی پایدارند.

دوست با معرفت، وقتی از دوستش شناختِ خوب داشت و به او اعتماد کرد، دیگر به سخن چینی و بدگویی دیگران اعتنا نمی کند و دل را چرکین نمی سازد. حضرت علی علیه السلاممی فرماید:

«مَنْ اَطاعَ الواشیَ ضَیَّعَ الصَّدیقَ».(۱)

هر کس از سخن چین و دو به هم زن پیروی کند، دوست را تباه می سازد.

گاهی حرفهای دیگران که ریشه در دشمنی، حسد و غرض ورزی دارد، اگر بر انسان تأثیر منفی بگذارد و او را نسبت به دوستش بدبین کند،

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۳۹.

رشـته دوستی از هم گسسـته می شود. البته اگر از کسـی شـناخت خوبی نـداشتیم، به حرفهایی که درباره اش می گوینـد، باید تأمّل و دقت کنیم، ولی اگر

کسـی را به خوبی و تعهّد و پاکی می شناسـیم، نباید به این حرفها گوش بسـپاریم. در این مورد آن حضـرت چنین رهنمود می دهد:

«مَنْ عَرَفَ مِنْ أخیهِ وَثیقهَ دِینٍ وَسَدادَ

طریقٍ، فلا یَسْمَعَنَّ فیهِ اَقاویلَ الرِّجال...»(۱)

کسی که از برادر دینی اش دینداری و درستی را بشناسد، پس دیگر به سخنان این و آن درباره او گوش

فراندهد، آگاه باشید که گاهی تیرانداز تیر می افکند و تیرها به خطا می رود و سخنان از حق دور می شود...

در سخن دیگری امیرالمؤنین علیه السلام در شیوه رفتار با دوستان شایسته، چنین توصیه می فرماید:

«آن گـاه که برادر [و دوسـتت] بـا تـو قطع رابطه می کنـد، تو بـا او بپیونـد، وقـتی او از تو قهر می کنـد، تو بـا وی مهرورزی و نزدیکی داشته باش، هرگاه او نسبت به تو بخل می ورزد، تو بذل و بخشش کن،

وقتی او دوری می کنـد تو نزدیک شو، هر وقت او تنـدی نشان می دهـد تو نرم باش، هرگاه او خطا می کند عذرش را بپذیر و چنـان بـاش که گویـا تو غلام اویی و او صاحب نعمت بر توست. مبادا اینها را در غیر جای مناسب انجام دهی، یا چنین لطف و بزرگواری را با نااهل داشته باشی...»(۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱.

۲- نهـج البلاغه، نامه ۳۱، «احمِل نَفسَک مِن اخیکَ عِنـدَ صَرمِهِ عَلی الصِّلَه وعنـدَ صُدودِهِ عَلی اللّطفِ والمقارَبه، وعند جُموده عَلی البَذلِ وعنـدَ تباعُده عَلی الـدُنُوِّ وعنـدَ شِدَّتِهِ عَلَی اللّینِ وعنـدَ جُرمه علی العُذرِ، حتّی کانّک لَهُ عبـدٌ وکاَنّه ذونعمهٍ عَلیکَ وایّاکَ اَنْ تَضَعَ ذلک فی غیر مَحلِّهِ او اَنْ تَفعَلَهُ بِغیرِ اهلِه.»

اگر دوست، با معرفت و فهمیده و با وفا باشد، شایسته است که با او این گونه بزرگوارانه رفتار شود و لغزشهایش هم نادیده گرفته شود. مهم آن است که این «جا» را خوب بشناسیم و بیهوده لطف و محبت را هدر ندهیم و نثار آن که شایستگی ندارد نکنیم.

دوست مشمار آن که در نعمت زند

لافِ یاری و برادرخواندگی

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی(۱)

شناختِ حق دوست و ادای آن حق و پایبندی به قانون دوستی و عهد آشنایی، گوهر نفیسی است که از آن با «معرفت» یاد می شود.

و ... اگر دوستی بی معرفت بود، دوست نیست.

ص:۲۳

۱- سعدی.

ادب و آداب دوستی

اشاره

برای بقا و استمرار و تقویت «رشته دوستی»، هم بایـد عواملی که آن را سـست می کنـد شـناخته و زدوده شود، هم آنچه مایه تقویت و ریشه دار شدن «نهال دوستی» است مورد توجّه قرار گیرد و درخت دوستی آبیاری گردد.

اگر حق دوسـتان را نشناسـیم و به این حق گردن ننهیم و عمل نکنیم، تضـمینی بر تـداوم آن نیست. و اگر عوامل محبّت آور و دوستی آفرین را نشناسیم، پیوسته در جذب دوستان ناکام و ناموفق خواهیم ماند، یا دوستان موجود را هم از دست خواهیم داد.

در این بخش، رهنمودهـایی از امـام علی علیه السـلامـی آوریم که به ادبِ دوستی و نحوه رفتـار درست با دوسـتان مربوط می شود:

۱ - خوشرویی

یکی از رموز دوست یـابی و جـاذبه، چهره باز و خنـدان و رفتار با مهر و محبّت است. از قـدیم گفته انـد: انسان به رویِ باز می رود، نه درِ باز!

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اَلبَشاشَهُ حِبالَهُ المَودَّه».(۱)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۶ .

خوشرویی، رشته و دامِ دوستی است.

حافظ، در اشاره به تأثیر و جاذبه خوشرویی و اخلاق زیبا می گوید:

به حسن خلق، توان کرد صید اهل نظر

به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را

۲ – نرمش و مدارا

انعطاف پذیری، نرمخویی و خوشرفتاری، مایه جذب دلها و دوام دوستیهاست. بر عکس، سفت و سخت بودن و انعطاف ناپذیری، هم خود فرد را می شکند، هم دیگران جذب او نمی شوند. در تأثیر این نرمخویی بر دیگران و افزایش دوستان و معاشران، حضرت علی علیه السلاممی فرماید:

«مَنْ لانَ عُودُه کَثُفَتْ اَغْصانُه».(۱)

کسی که درخت وجودش نرم باشد، شاخ و برگ او پرپشت و افزون می شود.

درباره نحوه رفتار با خویشاوندان و دوستان و رسیدگی به آنان، چنین توصیه می کند:

«مَنْ تَلِنْ حاشِیَتُهُ یَسْتَدِمْ مِنْ قَوْمِهِ المَودَّه».(۲)

کسی که نسبت به خویشان و

اطرافیانش نرم باشد، پیوسته از طرف قوم خود مودّت و دوستی می بیند.

تداوم دوستی در سایه نرمش و مداراست.

۳ – انصاف

پرهیز از امتیازطلبی برای خود و حق کشی نسبت به دیگران و برابر دانستن خود با افراد دیگر در برخورداری از حقوق و مزایا و مراعات

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۱۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

شؤون، به معنای انصاف داشتن در رفتارهاست.

شخص با انصاف، «خود» را میزان و معیار در رفتار با دیگران قرار می دهد و سود و زیان را بین خود و دوستش نصف می کند. این شیوه که بسیار هم دشوار است، در کلام حضرت علی علیه السلام این گونه بیان شده است:

«اجْعَلْ نَفسَک میزاناً فیما بَینَکَ وَبینَ غیرِکَ، فَاَحْبِبْ لِغَیرِک ماتُحِبُّ لِنَفْسِک وَاکْرَهْ لَهُ ماتَکْرَهُ لَها وَلا تَظْلِمْ کَما لا تُحِبُّ اَنْ تُظْلَمَ وَاَحسِنْ کما تُحِبُّ اَنْ یُحْسَنَ اِلیک وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِکَ ما تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَیرِکَ».(۱)

«خود» ت را در آنچه میان تو و دیگری است، «میزان» قرار بده، پس آنچه برای خود دوست می داری برای دیگری هم دوست بدار و آنچه برای خودت نمی پسندی، برای دیگری هم مپسند. همان طور که دوست نداری به تو ظلم کنند، تو هم ظلم نکن. همچنان که دوست داری به تو نیکی کنند، تو نیز نیکی کن، و آنچه را از دیگری زشت و

ناپسند می شماری، از خودت هم ناپسند بشمار.

و این، یعنی انصاف در رفتار با دوستان، که از ارزشهای مهمّ اخلاقی است.

رفتار منصفانه با دیگران، هم مایه آرامش وجدان انسان می شود، هم برای او محبوبیّت می آورد و سبب افزایش دوستان می گردد، چرا که «انصاف»، نوعی گردن نهادن به حق و قانع بودن به حق خود و پرهیز از افزون طلبی و زیاده خواهی یا تعدّی به حریم دیگران است و چنین خصلتی

نزد همگان پسندیده است و جذّاب.

در اشاره به این نکته، در نهج البلاغه چنین آمده است:

«بِالنَّصَفهِ یَکْثُرُ المُواصِلُونَ».(۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ .

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴.

به سبب انصاف، دوستداران زیاد می شوند.

۴ – پرهیز از تکلّف آوری

تکلّف، یعنی خود را به زحمت و مشقّت انداختن به خاطر دیگری. گاهی کسی از دوستانش توقّعاتی دارد که آنان را برای تأمین آنها یا مراعات بعضی خواسته ها و پسندها به زحمت می اندازد. باید با دوستان به گونه ای رفتار کنیم که با ما راحت باشند و به خاطر ما به دردسر و تکلّف نیفتند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«شَرُّ الإخوانِ مَن تُکُلِّف لَهُ».(۱)

بدترین دوستان کسی است که دیگران به خاطر او به زحمت بیفتند.

کم توقعی و نداشتن انتظارات ویژه از دوستان، ادبِ دوستی است و روابط دوستانه را مستحکم و پایدار می سازد و زندگیها را راحت می کند (تکلّف گر نباشد، خوش توان زیست).

۵ – پرهیز از تضییع حقوق

گاهی در عالم دوستی و رفاقت، سهل انگاریهایی صورت می گیرد که به تضییع حقوق دوستان و ترک وظیفه حتمی می انجامد. درست است که گاهی به خاطر صمیمیّت و روابط دوستانه، برخی نکات و آداب رعایت نمی شود و به حسابِ خودمانی بودن گذاشته می شود، امّا نباید این صمیمیّت، به تباه شدن حقّ دیگری بینجامد؛ مثلاً حقِّ مالیِ دوست را ادا نکنیم، یا اگر رفتار توهین آمیز داشتیم، یا بدهی او را ندادیم، یا بی اعتنایی و تندی داشتیم، بگوییم: غریبه که نیست، از خودمان است، جای دوری نمی رود و... از این گونه حرفها و تضییع حقها.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۹.

رعایت حقّ دوستی و برادری، نشانه صداقت و مودّت است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«وَلا تُضِیعَنَّ حَقَّ اَخیکَ، اتّکالاً عَلی ما بَیْنَکَ وبَیْنَهُ، فَاِنّه لَیْسَ لَکَ بِأخٍ مَنْ اَضَعْتَ حَقَّهُ».(۱)

به اتّکای روابط صمیمانه ای که میان تو و دوست و برادر توست، حقّ او را ضایع مکن؛ زیرا آن که حقّش را پایمال می کنی، دیگر برادر تو نیست!

۶- رعایت حدّ و مرز

اعتدال در هر چیزی خوب است، حتّی در دوستی و مهرورزی. افراط در دوستی و دشمنی مایه پشیمانی است. گاهی دو نفر که با هم دوست اند، آن قدر خودمانی می شوند و از خصوصیات اخلاقی و زندگی شخصی و اسرار و امور محرمانه یکدیگر با خبر می شوند، که اگر روزی دوستی آنان به هم بخورد، زیانهای جبران ناپذیری متوجّه آنان می شود. یا آن قدر به صورت افراطی

دلباخته یکدیگر می شوند که اگر روزی آن روابط به هم بخورد، یا فاصله و جدایی پیش آید، یا آن دوستی به دشمنی تبدیل شود، در شرایط بحران روحی قرار می گیرند و نمی توانند خود را از عواقب آن برهانند. در دشمنی هم نباید افراط کرد، چون اگر روزی آن دشمنی به دوستی تبدیل شود، رفتار ناپسند گذشته، مایه شرمساری و عذاب وجدان می شود.

حضرت علی علیه السلام درباره مراعات اعتدال در دوستی و رعایت حدّ و مرز معقول آن

می فرماید:

«أحْبِبْ حبیبَکَ هَوناًما، عَسی اَنْ یَکُونَ بَغیضَکَ یَوماًما، وَاَبْغِضْ بَغیضَکَ

ص:۲۸

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ .

هَوناًما، عَسی اَنْ یَکونَ حَبیبَکَ یَوماًما».(۱)

با دوستت به انـدازه و حـدّ معیّنی دوستی کن، شاید روزی دشـمنت شود. دشـمنت را هم تا اندازه ای معیّن دشـمن بدار، شاید روزی با تو دوست شود!

۷ – رفتار محبّت آمیز

برای افزایش دوستی و ریشه دار شدن آن، باید مهر و محبّت قلبی را ابراز کرد و به زبان آورد.

رفتار با صـمیمیت و مودّت، سفارش دین نسبت به برادران اسلامی است. امیرمؤنان علیه السلام از بندگان خدا که میراث دار و حامل علوم الهی اند با ویژگیهایی یاد می کند، از جمله می فرماید:

«یَتواصَلُونَ بالوِلایَهَ وَیَتَلاقُونَ بالمَحبَّهِ».(۲)

پیوندشان با یکدیگر براساس وِلا و صفا و یکرنگی است و رفتارشان با هم با محبّت و مهر است.

چنین رفتاری، روح برادری و دوستی را میان افراد بیشتر و محبّت را ریشه دارتر می کند.

با صدق و صفا باش به یاران عزیز

می ساز فدای راه ایشان همه چیز

هر چند بود عزیز، جان در نظرت

چون یار طلب کند، فدا کن آن نیز

۸ – خطاپوشی

دوسـتان همـدل و با صـفا، نسـبت به یکـدیگر آبروداری می کنند و سـبب فاش شدن عیوب و کاستیهای یکدیگر نمی شوند و پشت سر همدیگر عیبجویی و غیبت نمی کنند. حضرت علی علیه السلام در این مورد، سخن بلندی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

دارد که خلاصه مضمون آن چنین است:

«سزاوار است از عیبجویی و ملامت دوستت بپرهیزی و به یادآوری که چگونه خداوند خطاها و گناهان تو را که چه بسا بزرگ تر از خطاهای او بوده،

پوشانده است، تو هم خطاپوشی کنی. چگونه او را به گناهی سرزنش می کنی که خودت هم مرتکب شده ای؟ در عیبجویی از او به خاطر خطایش شتاب مکن، شاید خداوند او را بخشوده است، از گناهان کوچک خودت هم آسوده مباش، شاید به خاطر همانها عذاب شوی! دست از عیبجویی از دوستانتان بردارید، چرا که از عیوب خودتان آگاهید.»(۱)

۹ - پاسخ بدی با خوبی

اگر از دوست، خطا و قصوری سر زد، به جای بدی کردن و نکوهش و مقابله به مثل، رفتار کریمانه و بزرگوارانه، او را شرمنده می سازد و متوجّه بدی و خطایش می کند. و اگر از دوستی بیمناکی که مبادا به تو زیان برساند، نیکی در حقّ او عملی پیشگیرانه در مقابل بدی اوست. بی شک، بدی را با بدی

جواب دادن مشکلی را حل نمی کند، امام علی علیه السلام می فرماید:

«عاتِبْ اَخاكَ بِالإحسانِ اِلَیهِ، وَارْدُدْ شَرَّهُ بِالإنعامِ عَلیه».(۲)

برادرت را با نیکی به او، سرزنش کن و شرّ او را با احسان به وی، برگردان.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰: «وانّما ینبغی لِأهل العصمه...».

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۸ .

۱۰ – راهی برای بازگشت

گاهی میان دوستان، اختلاف و ناسازگاری پیش می آید و از هم جدا می شوند و قطع رابطه می کنند، چه بسا براساس توهّمات بی اساس، یا امور جزئی و کم اهمیّت، یا سمپاشی و سخن چینی دیگران، امّا پس از مدتی به اشتباه خود پی می برند و بر قطع دوستی پشیمان می شوند، امّا راهی برای بازگشت نمی یابند.

حضرت علی علیه السلام توصیه می فرماید که هنگام قهر کردن یا ترک رابطه و دوستی، همه پلها را خراب نکنید، تا امکان وصل

مجدّد باشد و او زمینه آشتی و دوستی مجدّد را فراهم ببیند:

«وَاِنْ اَرَدْتَ قَطیعهَ أخیکَ، فَاسْتَبْقِ لَهُ مِنْ نَفْسِکَ بَقیّهً یَرجِعُ اِلَیها اِنْ بَدا لَهُ ذلِکَ یَوْماً.»(۱)

هرگاه خواستی با دوستت قطع رابطه کنی، از سوی خود برای او راهی برای بازگشت نگه دار، که اگر روزی خواست به عالم دوستی با تو برگردد، بتواند.

۱۱ – معاشرت مردمی

چه با دوستان چه با عموم مردم، باید چنان زیست و چنان رفتار کرد که در دلشان جا پیدا کرد، به نحوی که بر زیستن ما علاقه مند و در فقدانِ ما اندوهگین باشند، نه آنکه از زندگی ما به ستوه آیند و مرگ ما، مایه شادی و آسودگی شان شود. این هنرِ «مردمی زیستن» و نفوذ در دلها در کلام حضرت امیر علیه السلام این گونه آمده است:

«خالِطُوا النّاسَ مُخالَطَهً اِنْ مِتُّمْ مَعَها بَکَوْا عَلیکم وَاِنْ عِشْتُمْ حَنُّوا اِلَیکم».(۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۰ .

با مردم چنان معاشرت و آمیزش داشته باشید، که اگر مُردید، بر شما بگریند و اگر زیستید، به شما علاقه مند و متمایل باشند.

۱۲ – پرهیز از عوامل جدایی

جام ظریف دوستی را باید چنان مراقبت کرد که نشکند و رابطه لطیف محبت را چنان باید حفظ کرد که نگسلد. آنچه را که مایه به هم خوردن دوستیهاست، باید شناخت و ازآنها حذر کرد. گاهی ریشه جداییها و فاصله گرفتنها درونی است. وقتی نیّتها آلوده و انگیزه ها ناسالم و دلها بیمار باشد، روزی به نحوی به بیرون راه می یابد و میان دوستانِ همدل و همراه، تفرقه می اندازد.

حضرت علی علیه السلام در موعظه های خویش این گونه هشدار می دهد:

«اِنّما اَنتُم إخْوانٌ علی دینِ اللّه ِ، مافَرَّقَ بَیْنَکُم اِلاّ خُبْثُ السَّرائِرِ وَسُوءُ الضَّمائِرِ...».(۱)

شما همه با هم برادر دینی بودید، آنچه میان شما جدایی انداخت، آلودگی درونها و ناسالمی باطنهای شما بود، از این رو نه یکدیگر را حمایت و پشتیبانی می کنید، نه خیرخواه یکدیگرید، نه برای هم بذل و بخشش می کنید و نه با هم محبّت و مودّت دارید.

اگر دل و درون را صاف و زلال کنیم، دوستیها خلل نمی یابد و پیوندها به جدایی

نمی کشد.

ص:۳۲

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

دوستی با چه کسی؟

دوست، سند شخصیت انسان است. اگر بی دقت، با کسانی معاشرت و دوستی داشته باشیم که بد نام، بد سیرت، بداخلاق و فاسدند، ما را هم به فساد و بدی می کشانند، امّا دوستان شایسته، زمینه رشد و کمال در ما پدید می آورند.

همنشین تو از تو، بِهْ باید

تا تو را عقل و دین بیفزاید

دوستی و همراهی و همدمی، معمولاً ـ به همرنگی می کشاند و افراد، بیشترین تأثیر را از دوستان می پذیرند. دوستی با نیکان نیز، به نیکی و خیر و صلاح می کشد و اگر «محبّت قلبی» وجود داشته باشد، «اطاعت عملی» هم خواهد بود. حضرت علی علیه السلام از

کسانی انتقاد می کند که دوستدار صالحان و نیکان اند، امّا مثل آنان عمل نمی کنند.(۱) این نکوهش برای آن است که طبق قاعده، دوستی باید به همراهی و همرنگی بکشاند و تنها ادّعا نباشد.

حضرت علی علیه السلام در نامه پندآموز خود به فرزندش امام حسن علیه السلام، درباره تأثیر رفاقت و همدمی با نیکان و بدان می فرماید:

«قارِنْ اهلَ الخیرِ تَکُنْ مِنْهُم، وَبایِنْ اَهلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنهم».(۲)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰: « یُحبّ الصّالحینَ وَلایَعْمَلُ عَملَهم».

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

با نیکان همدمی و رفاقت کن، تا از آنان باشی و از بدان جدا شو، تا از آنان جدایی داشته باشی.

این نشان می دهد که مودّت و دوستی و انس با نیکان و بدان، کم کم انسان را همانند آنان می سازد و خصلت و خوی آنان را پدید می آورد و مثل نسیمی که از بوستان یا از مرداب می گذرد، بوی خوش یا بوی تعفّن با خود می آورد:

(گل چو شود قرین گل، گیرد رنگ و بوی او).

دوستی با افراد خدا دوست و با ایمان، در تربیت ایمانی و رشد اخلاقی انسان مؤثر است. از این رو، حضرت علی علیه السلام یکی از یارانش را توصیه می فرماید که خدا را مورد احترام قرار دهد و با دوستان خدا دوستی کند: «أَحْبِبْ اَحِبّاءَهُ».(۱)

نکته دیگر در رهنمودهای حضرت علی علیه السلام ، دوستی با دوستانِ پدر است. از آنجا که دوستیهای بادوام و دیرپای، نشان

از صداقت و وفاداری است، وقتی پدران، پس از عمری زیستن و آزمودن و سرد و گرم روزگار را چشیدن و انسانهای مختلف را در شرایط گوناگون امتحان کردن، با بعضی دوست هستند، این برای فرزندان یک معیار به شمار می آید. امام می فرماید:

«مَوَدَّهُ الآباءِ قَرابَهٌ بینَ الأبناءِ، وَالقَرابَهُ اِلیَ الموَدّهِ اَحْوَجُ مِنَ المَودّهِ اِلیَ القَرابهِ».(۲)

دوستی پدران، خویشاوندی میان فرزندان است، و نیاز خویشاوندی به دوستی، بیش از نیاز دوستی به خویشاوندی است.

۱- نهج البلاغه، نامه ۶۹ خطاب به حارث همدانی.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۰۸.

آنچه ملاک و معیار است، «رابطه دوستانه» است. اگر خویشاوندان با هم صمیمی و دوست نباشند، این خویشاوندی بی ثمر است. امّا رابطه دوستی خودش یک اصل است، هر چند میان دوستان، ارتباط فامیلی نباشد. براساس سخن مولا، انسان می تواند به دوستِ پدرش «عمو» بگوید، چرا که آن رفاقت دیرین و ریشه دار، مانند قرابت

و خویشاوندی است.

با حکیمی دوش گفتم: پیش تو

دوست بهتر یا برادر؟ گفت: دوست

آن برادر را که با دلخواه خویش

بر گزیدی از میان خلق، اوست(۱)

از آنچه از سخنان حضرت علی علیه السلام

می توان نتیجه گرفت و براساس روایات فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام، باید با کسی رفاقت و دوستی کرد که:

خداشناس و دیندار، راستگو و درست کردار، امین و پاک باشد، دوستی او

مایه آراستگی انسان باشد، از علم و دین او به انسان بهره ای برسد، همدل و باوفا باشد، در سختیها دوست را وانگذارد و آنچه برای خود می خواهد برای دوستش هم بخواهد.

چنین کسی شایسته دوستی است و رفاقت با او مغتنم و سودمند است.

۱- از علی باقرزاده «بقا».

دوستی با اینان، ممنوع!

اشاره

همانند کسی که راه پر خطر و منتهی به دره و سقوط را می شناسد و به رهروان هشدار می دهد که مواظب کمینها، گردنه ها، پرتگاهها و غارتگران باشند، امام علی علیه السلام

هشدار دهنده در سر راه زندگی است، تا انسانها از رهگذر دوستان ناباب، به درّه

نیفتند و در اثر غفلت از خطرها و لغزشگاهها، به سقوط کشیده نشوند.

باید به جهان، رفیق فهمیده گرفت

هم صحبت مشفق و جهاندیده گرفت

هرگز خردش به دوستی نپسندد

آن کس که رفیق ناپسندیده گرفت

و این دوست ناپسند کیست که باید از او حذر کرد؟

و ویژگی آنان که شایسته دوستی نیستند، چیست؟

از سخنان حضرت علی علیه السلام بهره می گیریم و کسانی را که از دوستی با آنان نهی شده است، می شناسیم:

۱ - کوته فکران بدکار

افراد سست اندیشه، جاهل و کوته فکر، به خصوص اگر از نظر عمل و رفتار هم اهل خلاف و زشت کاری باشند، شایسته دوستی نیستند، چون همنشینان را به وادی جهالت و فساد می کشند. امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَاحْذَرْ صَحابَهَ مَن يَفيلُ رأيُهُ ويُنْكَرُ عَمَلُهُ».(۱)

از همنشینی با کسی بپرهیز که اندیشه اش سست و ضعیف، و کارش زشت و ناپسند است.

۲ – فاسقان گنهکار

آنان که لاابالی و تبهکار و اهل معصیت و خلاف اند، دیگران را هم به راه گناه می کشند، تا شریک جرم و همراه برای خود داشته باشند. مثل پرهیزی که از مبتلایان به

بیماریهای واگیردار داریم، باید از دوستی با اهل فسق و فجور بپرهیزیم، چون آلودگی آنان دامن ما را هم می گیرد و بدنامی برای ما به بار می آورد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«اِیّاکَ ومُصاحَبَهَ الفُسّاقِ، فَاِنّ الشَّرَّ بالشَّرِّ مُلْحَقٌ».(۲)

از مصاحبت و دوستی با فاسقان بپرهیز، چرا که بدی به بدی می پیوندد.

در کلام دیگری، آن حضرت می فرماید:

«ایّاکَ وَمُصادقهَ الفاجِرِ فانّه یَبیعُکَ بالتّافِهِ».(۳)

از دوستی با فاجر حذر کن، چون تو را به بهای اندک می فروشد.

۳ – احمق

احمق، کسی است که نابخرد است و کارهایش عاقلانه نیست، حرفهای سفیهانه می زند و درک و شعور ندارد. امام درباره پرهیز از دوستی با چنین کسی می فرماید:

«ایّاکَ ومُصادَقَهَ الأحمقِ، فَاِنَّهُ یُریدُ اَنْ یَنْفَعَکَ فَیَضُرَّکَ».(۴)

از دوستی با احمق و نادان بر حذر باش، چرا که او می خواهد به تو

۱- نهج البلاغه، نامه ۶۹ .
۲- نهج البلاغه، نامه ۶۹ .
۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۸ .
۴- نهج البلاغه، حکمت ۳۸ .

سود برساند، امّا [به خاطر حماقتش] به تو زیان می رساند.

در حکایات و ادبیات فارسی، ماجرای «دوستی خاله خرسه»، مصداقی روشن بر همین گونه ضرر زدنها از سوی دوستیهای

احمقانه است. امام علی علیه السلام در سخنی دیگر

با تعبیر «مائق» از این گونه افراد یاد کرده، می فرماید:

«با بی خرد و احمق همنشین مباش، چرا که کار خودش را در نظر تو زیبا جلوه می دهد و دوست دارد تو هم مانند او باشی».(۱)

ترک دوستی با نابخردان، دستاورد

مهمّی دارد و با پیوند با خردمندان برابری می کند.

آن حضرت، برای آنکه قطع رابطه کنندگان با افراد جاهل، احساس زیان نکنند، در فایده این کار می فرماید:

«قَطیعهُ الجاهِلِ تَعدِلُ صِلَهَ العاقِلِ».(۲)

گسستن از نادان، برابر پیوند با خردمند است.

با بدان کم نشین، که صحبت بد

گرچه پاکی، تو را پلید کند

آفتاب بدین بزرگی را

پاره ای ابر، ناپدید کند

۴ - بخیل

افراد تنگ نظر و بخیل، همیشه از خیررسانی به دیگران مضایقه می کنند و بهره ای به مردم نمی رسانند. از این رو، دوستی با آنان بیهوده و زیانبار است. کلام حضرت درباره نهی از دوستی با بخیلان چنین است:

«وَایّاکَ ومُصادَقَهَ البَخیلِ، فَاِنَّهُ یَقْعُدُ عَنْکَ اَحْوَجَ ماتَکُونُ الیه».(۳)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳: «لاتَصحَبِ المائقَ، فانّه یُزیّنُ لک فِعْلَهُ، وَیَودُّ اَنْ تکونَ مِثلَه».

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱ .

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۸ .

از دوستی با بخیل بپرهیز، چون او در سخت ترین شرایط نیازمندی تو، از کمک رسانی به تو دریغ می ورزد.

۵ – دروغگو

کسی که از دیگران نزد شما دروغ می گوید، از شما هم نزد دیگران دروغ خواهد گفت. بر دروغگو نمی توان اعتنا کرد، چرا که نه گفتارش پایه و اساسی دارد، نه رفتارش.

به تعبیر امام علی علیه السلام دروغگو یک فریبکار است:

«ایّاکَ ومُصادَقَةَ الکذّابِ، فإِنَّهُ کالسَّرابِ،

یُقَرِّبُ عَلیکَ البَعیدَ، ویُبَعِّدُ عَلیکَ القریبَ».(۱)

از دوستی با دروغگو پرهیز کن، چرا که او مانند «سراب» (آب نما) است.

دور را در نظر تو نزدیک جلوه می دهد و نزدیک را در نظرت دور نشان می دهد.

و چه زیانی برای انسان بیشتر از دوستی با این گونه افراد، که دوست خود را در دامنِ یک سراب فریبنده می افکنند، تا حقایق جهان و واقعیتهای اطراف خود را نشناسند. به هیچ حرف دروغگو نمی توان اطمینان کرد، چون با مردم یکرو و صادق نیست و آنان را به اشتباه می اندازد.

«ای جان فدای آن که دلش با زبان یکی است».

به قول حافظ:

نخست موعظه پیر می فروش این است

که از مصاحب ناجنس، احتراز کنید

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۸ .

۶ – متّهم

از آنجـا که مبنای قضاوت نسـبت به اشـخاص، دوسـتان و همنشـینان آنهاست، دوستی با افراد مورد تهمت (متهم بودن به کفر، نفاق، فساد اخلاق، بی دینی، ناتوانی و...) به همنشینان آنان هم سرایت کرده، دامنگیرشان می شود. به تعبیر آن حضرت:

«الصّاحِبُ مُعتَبَرٌ بِصاحِبه»(۱)؛ دوست را با دوستش می سنجند.

بنابر این، از نشست و برخاست و رفاقت

با افراد متّهم نیز باید حذر کرد. امام علی علیه السلام

می فرماید:

«لا خیرَ فی مُعینٍ مَهینٍ، وَلا فی صَدیقٍ

ظَنینٍ».(۲)

خیری در یاورِ خوار و خوارکننده و در دوستِ متّهم و مورد بدگمانی نیست.

۷ – دشمنِ دوست

وقتی با کسـی دوست هستیم، دوسـتان او دوسـتان ما به شـمار می روند و دشمنانش دشمنانمان. این حقیقت در کلام علی علیه السلام

این گونه آمده است:

دوستان تو سه گروه اند، دشمنانت نیز سه گروه. دوستانِ تو عبارت اند از:

۱ – دوست خودت ۲ – دوستِ دوستت ۳ – دشمنِ دشمنت؛

و دشمنان تو عبارت اند از:

۱ – دشمن خودت ۲ – دشمن دوستت ۳ – دوستِ دشمنت.(۳)

براساس این تقسیم بندی، دشمنِ دوست ما هم دشمن به شمار

۱– نهج البلاغه، نامه ۶۹ .

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱ .

۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵ : «فَأصدِقاو□:صَدیقُک، و صَدیقُ صدیقِک و عدوُّ عدوِّک...».

می رود و با او هم نباید دوستی کرد. درباره این نکته و دلیل پرهیز از این دوستی، امیرمؤنان علیه السلام

می فرماید:

«لا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدیقِکَ صَدیقاً فَتُعادِیَ صَدیقَکَ».(۱)

دشمن دوستت را دوست نگیر، که با

این کار، با دوستت دشمنی می کنی.

۸ – افراد بی خیال

از ویژگیهای دوست خوب، همدردی و غمخواری و کمک به دوست در شرایط دشوار و نیاز به مساعدت است. آنان که در گرفتاریها به فکر دوست نیستند و اصلاً برایشان مهم نیست که دوستشان در چه وضعی است، شایسته دوستی نیستند. حضرت علی علیه السلام پا را فراتر گذاشته و اینان را «دشمن» می داند و می فرماید:

«مَنْ لَمْ یُبالِکَ فَهُوَ عَدُوُّک».(۲)

کسی که به فکر تو نیست و به تو اهمیّتی نمی دهد، او دشمن توست.

در عالم دوستی و محبّت، شناخت دوست از دشمن بسیار مهم است و کسی که دوست واقعی خود را از دشمنِ دوست نما نشناسد، هم فریب می خورد، هم زیان می بیند.

ای بسا ابلیس آدم رو که هست

پس به هر دستی نباید داد دست

دشمن شناسی از شناختهای بسیار لازم و مهم است، هر چند با بحث دوستی و دوست شناسی بی ارتباط نیست، امّا وارد این بحث نمی شویم و به همین اندازه درباره افراد نامناسب برای دوستی بسنده می کنیم.

ص:۴۱

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ .

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱ .

دوستِ ویژه علی علیه السلام

امام علی علیه السلام همان گونه که نسبت به دوستی و دوستان خوب و بد رهنمودهایی دارد، به معرّفی یک دوست واقعی و صمیمی خودش می پردازد که همه معیارهای «دوست شایسته» در او بوده است. یاد کرد آن دوست و بیان ویژگیهای اخلاقی او،

نوعی رهنمود دادن به کسانی است که در پی دوست خوب می گردند. از آن شخص به عنوان برادر یاد می کند، بی آنکه نامی از او ببرد.(۱) و دلیل محبّت خودش را به وی این گونه بیان می فرماید:

«در گذشته برادری داشتم، برادر دینی، که در نظرم بسیار بزرگ بود. آنچه او را در چشم من بزرگ جلوه می داد،

کوچکی دنیا در نظر او بود. از سلطه شکمش آزاد بود، آنچه را نداشت هوس نمی کرد، و آن گاه که داشت زیاده روی نمی کرد. بیشتر اوقات، ساکت بود. وقتی سخن می گفت بر گویندگان چیره می شد و تشنگی حقجویان را سیراب می کرد. به ظاهر، ناتوان و مستضعف بود، امّا هرگاه زمان تلاش و جدیّت فرامی رسید، همچون شیری خشمگین بود. تا نزد قاضی نمی رفت دلیلی مطرح نمی کرد و کسی را که عذری داشت

سرزنش

۱- بعضی گفته اند آن برادر و دوست، «ابوذر غفاری» بوده است، یا «عثمان بن مظعون»، یا دیگری.

نمی کرد، تا آنکه عـذر او را می شـنید. از هیچ دردی شـکایت نمی کرد و نمی نالید، مگر هنگامی که بهبود یابد. به آنچه می گفت عمل می کرد و آنچه خود عمل نمی کرد، به دیگران نمی گفت. اگر بر کلام، مغلوب می شـد، بر سـکوت مغلوب نمی گشت. برای شـنیدن حریص تر بـود تـا گفتن. وقـتی دو کـار پیش می آمـد، آنچه را نزدیـک تر به «هوای نفس» بود ترک می کرد.»

سپس می افزاید:

«بر شـما باد که به این خصـلتها روی آوریـد و در این زمینه ها به مسابقه بپردازیـد و اگر نمی توانید همه اینها را در خود فراهم آوریـد، هر چقـدر که می توانیـد، در حـدّ توان خود به آنها عمل نمایید و بدانید که عمل به اندکِ از اینها، بهتر از واگذاشـتنِ بسیار است.»(۱)

این صفات که امیرالمؤنین علیه السلام برای

دوست خوب خویش بر شمرده است، هر کدام یک تابلو و درس و سرمشق برای چگونه بودن و چگونه زیستن است و اگر در پی دوسـتان شایسـته و با فضـیلت می گردیم، این ویژگیها - که هر کدام به نوعی بیانگر تسلّط برخویش و خود ساخته بودن و مهار بر تمنّیات و تمایلاتِ نفسانی است - ارزشهای اخلاقی است و در هر کس وجود داشته باشد، شایسته دوستی و مهرورزی

است.

مگر خود امام علی علیه السلام، تجسّم این

فضیلتها نبود؟

پس راز محبوبیّت او نیز روشن می گردد.

مهر و محبّت نسـبت به امیرمؤنـان، ریشه در سـرشت پـاک و باورهـای نـاب و دلهـای باصـفا و آکنـده از ایمـان دارد. خـود آن حضرت در این زمینه می فرماید:

ص:۴۳

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹ : «کانَ لی فیما مَضی اَخٌ فی اللّه ِ...».

«اگر با این شمشیرم، بر بینی مؤمن ضربت فرود آورم تا مرا دشمن بدارد،

دشمنم نخواهد شد و اگر همه دنیا را در حلقوم منافق بریزم تا مرا دوست بدارد، دوستم نخواهد داشت.»(۱)

چرا که علی علیه السلام خود نیز شیفته مؤمن بود و خصم منافق، و شگفت نیست که مهر او برای همیشه در دل مؤمن پایدار بماند و منافق، هرگز توفیق چشیدن قطره ای از محبّت مولا را نداشته باشد.

کبوتر با کبوتر، باز با باز

کند همجنس با همجنس پرواز

ص:۴۴

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵ .

سخن آخر

مهرورزی و محبت، زندگی را گرم و با معنی می سازد، امید و انگیزه می آفریند و جامعه را پویا و انسان را پر تلاش می سازد.

امّا... ارزش عشق و علاقه، بستگی به ارزشمندی معشوق و محبوب دارد.

عشقهایی کز پی رنگی بود

عشق نبود، عاقبت ننگی بود

کسی که محبوبهای اصیل و ارزشمند را نشناسد، در پی معشوقهای بدلی و عشقهای گذرا و دوستیهای هوس آلود و خام می رود.

درست است که دوستان ما اگر لایق باشند، باید خانه دلمان جای آنان باشد و مهر و محبت و ایثارمان را نثارشان کنیم، ولی «عشقهای برتر» و «محبوبهای برتر» هم وجود دارد.

قرآن کریم، عشقِ برترِ هر مؤمن را و معشوقِ برینِ اهل ایمان را «خدا» معرّفی

می کند.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: فرزندانتان را با عشق و محبّت من و اهل بیت من و علاقه به قرآن تربیت کنید.(۲)

حال که بناست دوست بداریم، بهترین محبوبها را برگزینیم.

۱- «وَالّذینَ آمَنوا اَشَدُّ حُبّاً للّه ِ». بقره / ۱۶۵.

۲- احقاق الحق، ۱۸/۴۹۸ : «اَدّبوا اولادَکم علی حُبّی و حبّ اهلِ بیتی و القرآن».

اکنون که بناست مهر بورزیم، مهربانی به کسانی باشد که ارزش داشته باشند تاعشقمان را نثارشان کنیم. به قول سعدی:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشق محمّد بس است و آل محمّد(۱)

حال که عشق و دوستی، به همرنگی و همراهی می کشد، دوستی خدا و رسول و امامان و پاکان و صالحان را برگزینیم، که هم در دنیا «حیات طیّبه» داشته باشیم، هم در آخرت و قیامت، این عشق و محبت، شفیع ما گردد و به فوز و فلاح ابدی برسیم و با ابرار و نیکان محشور گردیم. آری... عشق و

دوستی با خاندان پاک پیامبر.

با عترتیم و چون غزلِ عاشقانه ایم

بر شاخه بلند ولایت، جوانه ایم

در دام عشق، دانه رنج و بلاخوش است

عمری است ما اسیر همین دام و دانه ایم

ما مرغ بام خانه آل محمّدیم

هر جا رویم، در پی عترت روانه ایم(۲)

ما، به اندازه محبوبهایمان می ارزیم.

پس، حساب شده تر و گزیده تر دوستی کنیم و مهر بورزیم.

ص:۴۶

۱- کلیات سعدی، امیرکبیر، ص ۷۱۵.

۲- برگ و باد از نویسنده، ص ۶۲ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹